

ابتلاء و آثار تربیتی آن از دیدگاه آیات و روایات

زهره محمدپور^۱

چکیده

ابتلاء به معنای آزمون و امتحان الهی است که از دیدگاه قرآن و روایات، ابزار مهمی برای رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی انسان محسوب می‌شود. این پدیده نه تنها ایمان و صبر انسان را می‌سازد، بلکه زمینه‌ی تزکیه نفس، پرورش فضایل اخلاقی و تقویت روابط اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد. هدف این پژوهش، تحلیل آثار تربیتی ابتلاء و دسته‌بندی آن‌ها به آثار درونی و بیرونی با استناد به منابع دینی و استخراج درس‌های عملی برای زندگی انسانی است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که آثار درونی ابتلاء شامل؛ تقویت ایمان و توکل، پرورش صبر و استقامت، تزکیه نفس و افزایش امید و رضایت از زندگی است، و آثار بیرونی شامل؛ تقویت همدلی و روابط اجتماعی، پرورش مسئولیت‌پذیری، اثر بر خانواده و جامعه و ترویج فرهنگ مقاومت می‌باشد. نتیجه‌ی پژوهش تأکید می‌کند که پذیرش ابتلاء با نگرش مثبت، صبر و توکل موجب بهره‌مندی کامل از آثار تربیتی آن می‌شود و انسان را در مسیر رشد اخلاقی و معنوی هدایت می‌کند.

واژگان کلیدی: ابتلاء، امتحان الهی، تربیت، صبر، ایمان.

مقدمه

ابتلاء به عنوان آزمونی الهی، از مفاهیم محوری در آموزه‌های اسلامی است که انسان را در مسیر رشد معنوی و اخلاقی قرار می‌دهد. قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بارها به نقش ابتلاء در تقویت ایمان، صبر و اخلاق فردی اشاره کرده‌اند. با این حال، هر یک از این منابع ممکن است بر جنبه‌های متفاوتی از تربیت انسان تأکید کنند. پرسش اصلی این تحقیق

^۱. طلبه سطح دو، حضرت الزهراء (سلام الله علیها)، 9712204566.

این است که آیات قرآن و روایات چه آثار تربیتی برای ابتلاء ذکر کرده‌اند و چه مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد؟

در زندگی امروز که انسان با فشارهای معنوی و اجتماعی مواجه است، شناخت آثار تربیتی ابتلاء می‌تواند راهنمای عملی برای مواجهه با مشکلات و تقویت روحیه‌ی ایمان و صبر باشد. همچنین، مقایسه‌ی قرآن و روایات کمک می‌کند تا آموزه‌های دینی به صورت یکپارچه و هماهنگ تحلیل و تبیین شوند و پژوهشگران و مربیان دینی از آن بهره‌مند شوند.

مطالعات متعددی به بررسی آثار تربیتی ابتلاء پرداخته‌اند. برای مثال: ابن‌سینا در کتاب «شفا» به نقش آزمایش‌ها در پرورش روح اشاره کرده است. علامه طباطبائی در «المیزان» به تأثیر ابتلاء در رشد اخلاقی انسان پرداخته است. تحقیقات معاصر مانند علی محمدی (1398) و زهرا رضایی (1400) به بررسی صبر و تقوا در مواجهه با سختی‌ها پرداخته‌اند. با این حال، پژوهش‌های کمی به مقایسه‌ی مستقیم بین آموزه‌های قرآن و روایات در موضوع ابتلاء پرداخته‌اند، که وجه تمایز تحقیق حاضر است. این تحقیق با هدف شباهت‌یابی و تحلیل تطبیقی، به بررسی و استخراج آثار تربیتی ابتلاء در قرآن و روایات می‌پردازد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را شناسایی می‌کند.

سؤال اصلی: آثار تربیتی ابتلاء در قرآن و روایات چیست و چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان آنها وجود دارد؟

1. مفهوم‌شناسی ابتلاء

در ابتدا لازم است به مفهوم ابتلاء در لغت و اصطلاح اشار شود:

1-1. تعریف ابتلاء

واژه‌ی ابتلاء از ریشه‌ی «بلاء» گرفته شده و به معنای آزمودن و امتحان کردن انسان است.¹ در اصطلاح علوم دینی و تفسیر، ابتلاء به معنای آزمون الهی انسان از طریق سختی‌ها و مشکلات برای رشد و تربیت معنوی است.² با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی، ابتلاء ابزاری تربیتی و الهی برای رشد ایمان، اخلاق و معنویت انسان است. این چارچوب، پایه‌ای برای تحلیل آثار تربیتی ابتلاء در قرآن و روایات فراهم می‌کند و زمینه‌ی پژوهش تطبیقی بین منابع دینی را ایجاد می‌کند.

¹. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج3، ص69.

². طباطبائی، المیزان، ج2، ص125.

2-1. انواع ابتلاء

ابتلاء براساس آموزه‌های اسلامی و تفسیر مفسران، انواع مختلفی دارد که هر کدام آثار تربیتی خاص خود را دارند که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. ابتلاء مالی و اقتصادی

این نوع ابتلاء شامل کاهش مال و دارایی، فقر، ورشکستگی یا از دست دادن منابع اقتصادی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»^۱ هدف این نوع ابتلاء، افزایش صبر، توکل به خدا و اصلاح رفتار مالی انسان است.^۲

2. ابتلاء جسمی و سلامتی

این نوع ابتلاء شامل بیماری، درد، آسیب جسمی و محدودیت‌های فیزیکی است و انسان را در مسیر صبر، شکرگزاری و رشد معنوی قرار می‌دهد.^۳

3. ابتلاء اجتماعی و خانوادگی

ابتلاء اجتماعی شامل؛ اختلافات خانوادگی، طرد شدن، مشکلات شغلی و آسیب‌های اجتماعی است که می‌تواند موجب تقویت اخلاق، همدلی و توانایی حل مشکلات شود.^۴

4. ابتلاء معنوی و ایمانی

این نوع ابتلاء شامل تردیدها، امتحانات ایمانی و ضعف ایمان موقت است و هدف آن تحکیم ایمان، رشد اخلاقی و نزدیکی بیشتر به خداوند می‌باشد.^۵ ابتلاء انواع مختلفی دارد که شامل مالی، جسمی، اجتماعی و معنوی است. هر نوع ابتلاء، زمینه‌ای برای تربیت اخلاقی و رشد معنوی انسان را فراهم می‌کند و مطالعه‌ی تطبیقی آن در قرآن و روایات می‌تواند به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار تربیتی کمک کند.

2. آثار تربیتی ابتلاء

ابتلاء، به عنوان آزمونی الهی، تنها یک تجربه‌ی سخت و چالش‌برانگیز نیست، بلکه فرصتی برای رشد و پرورش انسان در ابعاد مختلف تربیتی فراهم می‌کند. این آثار تربیتی هم شامل

^۱. بقره، آیه ۱۵۵.

^۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن‌الکریم، ج ۲، ص ۱۳۰.

^۳. قرآنی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۰۲.

^۴. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۲۵۵.

^۵. طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۱۳۵.

تغییرات درونی فرد، مانند تقویت ایمان، صبر و رشد اخلاقی، و هم تغییرات بیرونی او، مانند اصلاح رفتار و تعاملات اجتماعی است. در ادامه، تلاش می‌شود تا ابعاد تربیتی ابتلاء به تفکیک درونی و بیرونی بررسی شود و با استناد به آیات قرآن و روایات، پیامدهای سازنده و هدایت‌گر این آزمون الهی روشن گردد. چنین بررسی، نه تنها درک عمیق‌تری از مفهوم ابتلاء ارائه می‌دهد، بلکه پایه‌ای برای تحلیل تطبیقی آموزه‌های دینی فراهم می‌کند. حال این آثار تربیتی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شود.

1-2. آثار درونی ابتلاء

ابتلاء از نگاه قرآن و معارف اسلامی، نه تنها آزمونی برای سنجش انسان، بلکه فرصتی برای رشد درونی و شکوفایی فضایل اخلاقی است. قرآن کریم در آیه‌ی «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۱ تصریح می‌کند که امتحان الهی برای سنجش میزان ایمان و صبر بندگان است. براساس تحلیل علامه طباطبائی، هدف از ابتلاء، رساندن انسان به مرحله‌ی خلوص و رشد روحی است، نه عذاب یا مجازات.^۲ انسان در مسیر زندگی با انواع سختی‌ها و امتحانات الهی روبه‌رو می‌شود و اگر با ایمان و بینش دینی به استقبال آن رود، این رنج‌ها زمینه‌ساز تعالی روح و قرب الهی خواهند بود.^۳ شهید مطهری نیز تأکید می‌کند که ابتلاء، آزمایش محبت و ایمان انسان است و در حقیقت، بستر ظهور کمالات نهفته در وجود او را فراهم می‌سازد.^۴

از منظر تفسیری، بلا برای مؤمن نوعی تربیت الهی است که در پرتو آن، ضعف‌های روحی به قوت و وابستگی‌های نفسانی به تسلیم و توکل مبدل می‌شود.^۵ بنابراین، فلسفه‌ی ابتلاء را باید در مسیر تکامل انسان جست‌وجو کرد؛ چرا که این تجربه‌ها انسان را از سطح ایمان تقلیدی به ایمان آگاهانه و پایدار می‌رسانند.^۶ که این آثار درونی زیر مجموعه‌هایی دارد که در ادامه به توضیح هریک از آنها می‌پردازیم:

^۱. بقره، آیه ۱۵۵.

^۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶۵.

^۳. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۷، ص ۳۴۸.

^۴. مطهری، انسان و سرنوشت، ج ۱، ص ۸۹.

^۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۷.

^۶. جوادی آملی، حکمت عبادات، ج ۱، ص ۱۸۶.

1. تقویت ایمان و توکل بر خدا

یکی از نخستین و مهم‌ترین ثمرات درونی ابتلاء، تقویت ایمان و توکل بر خداوند است. قرآن در آیه‌ی «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۱ به صراحت می‌فرماید که توکل، ضامن کفایت و آرامش است. در واقع، انسان زمانی به توکل حقیقی دست می‌یابد که از تکیه بر اسباب ظاهری ناامید شده و تنها قدرت خداوند را پشتوانه‌ی خود بداند. جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «سختی‌ها و ابتلائات، زمینه‌ی توکل را در انسان ایجاد می‌کنند، زیرا او درمی‌یابد که تدبیر امور جز در دست خدا نیست و این شناخت، به آرامش و اطمینان قلبی می‌انجامد.»^۲

از منظر اخلاقی نیز، توکل ثمره‌ی ایمان راسخ است و انسان مؤمن در میدان ابتلاء، ایمان خود را به صورت عملی نشان می‌دهد. شهید مطهری می‌نویسد: «تا انسان در معرض خطر و گرفتاری قرار نگیرد، توکل و ایمانش آزمایش نمی‌شود و همین موقعیت‌هاست که ارزش واقعی باورها را آشکار می‌سازد.»^۳ قرآن در قصص انبیاء نیز، همین معنا را با الگوی حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت ایوب (علیه السلام) بیان می‌کند که در اوج سختی‌ها، به خداوند پناه بردند و نتیجه‌ی آن، تقویت روح ایمان و توکل بود.^۴

از منظر قرآن، توکل نه صرفاً یک توصیه‌ی اخلاقی، بلکه حقیقتی معرفتی و وجودی است که به اندازه‌ی عمق ایمان انسان گسترش می‌یابد. هرچه باور به ربوبیت و حکمت الهی در جان آدمی ریشه‌دارتر شود، اعتماد او به تدبیر خداوند نیز افزون‌تر خواهد بود. در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۵ این آیه نشان می‌دهد که توکل نه یک حالت انفعالی، بلکه نشانه‌ای از محبوبیت نزد خداوند است و شخصی که در سختی‌ها به قدرت الهی دل می‌بندد، در واقع به ساحت محبت الهی نزدیک می‌شود.

چنین انسانی بر اثر تجربه‌ی ابتلاء، ایمانش از مرحله‌ی زبانی و ذهنی فراتر رفته و به باور قلبی و آرامش درونی تبدیل می‌گردد. چنان که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ»^۶ یعنی توکل بر خدا، پناهگاهی از هر بدی و سپری

^۱. طلاق، آیه 3.

^۲. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۸، ص ۱۷۹.

^۳. مطهری، آزادی معنوی، ج ۱، ص ۱۱۲.

^۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۸۲.

^۵. آل عمران، آیه 159.

^۶. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

ابتلاء، علاوه بر استقامت، موجب بسط فضائل جمعی می‌شود. وقتی جامعه‌ای فشار خارجی را تحمل می‌کند، ارزش‌هایی مانند؛ ایثار، تعاون و شجاعت در میان اعضا رایج می‌گردد. به تعبیر مکارم شیرازی، بلا و دشواری «چنان تاثیری بر روحیه‌ی جمعی می‌گذارد که انسجام اجتماعی به بالاترین حد خود می‌رسد».^۱ این انسجام، پشتوانه‌ای برای حرکت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و ... جامعه می‌گردد، زیرا فضای اعتماد متقابل در اثر تجربه مقاومت تقویت شده است.

از بعد تاریخی، نمونه بارز این فرهنگ در مقاومت مسلمانان صدر اسلام رخ داد. در جنگ بدر، مسلمانان با وجود کمبود نفرات و تجهیزات، به دلیل ایمان و روح مقاومت که در مکه زیر فشار کفار شکل گرفته بود، پیروز شدند. علامه طباطبائی این پیروزی را «ثمره‌ی صبر و استقامت ناشی از ایمان به وعده الهی» می‌داند.^۲ همچنین در ماجرای احزاب، پیمان دشمنان برای نابودی مسلمانان، نه تنها جامعه‌ی اسلامی را متلاشی نکرد، بلکه اتحاد آن را افزایش داد و آنان تحت رهبری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمادگی بیشتری برای دفاع از مدینه پیدا کردند. ابتلاء اجتماعی، ظرفیت‌های پنهان امت را آشکار می‌کند و «بدون پذیرش دشواری‌ها، ملت‌ها به بلوغ فکری و ایمانی نمی‌رسند»^۳ این بلوغ همان است که به جامعه امکان می‌دهد تا بحران‌ها را نه به مثابه‌ی تهدید، بلکه به عنوان فرصت رشد نگریسته و از آن‌ها برای پیشرفت استفاده کند.

از منظر جامعه‌شناسی دینی، فرهنگ مقاومت دارای دو مؤلفه اصلی است:

۱. هویت جمعی مقاوم: که در اثر تجربه‌ی مشترک سختی‌ها شکل می‌گیرد و موجب می‌شود اعضای جامعه، خود را جزئی از یک کل واحد بدانند.
۲. نظام ارزشی مبتنی بر ایمان و عدالت: که ارزش‌هایی چون صداقت، ایثار و حق‌طلبی را بر صدر می‌نشانند. هر دو مؤلفه به طور مستقیم از سنت الهی «ابتلاء و تمحیص» برمی‌آیند و در قرآن، با واژگانی چون «تمحیص» و «بلاء» بیان شده‌اند.^۴ این مفاهیم نشان می‌دهند که ابتلاء، آزمونی برای پالایش جامعه از عناصر سست ایمان و استحکام بخشیدن به عناصر مقاوم است.

^۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۹۳.

^۲. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۷۷.

^۳. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۴، ص ۱۶۵.

^۴. آل عمران، آیه ۱۴۱.

نمونه‌های معاصر، همچون مقاومت مردم فلسطین علیه اشغال یا ایستادگی مردم لبنان در برابر تجاوز، بیانگر کارکرد عملی این فرهنگ‌اند. این جوامع، با وجود فشارهای اقتصادی و نظامی، به دلیل تجربه مداوم ابتلاء، توانسته‌اند هویت مقاوم خود را حفظ کنند. چنین هویتی، حتی نسل‌های بعدی را به سمت ایستادگی سوق می‌دهد. امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَا يَجْتَمِعُ الْإِيمَانُ وَالْجُبْنُ؛ إيمانٌ با ترس سازگار نیست.»^۱ ابتلاء، این ترس را از جان جامعه می‌زداید، زیرا تجربه مقاومت، باور به پیروزی را جایگزین آن می‌کند.

از نگاه اخلاق اجتماعی، فرهنگ مقاومت عامل ارتقای کرامت انسانی است. جامعه‌ای که اهل مقاومت است، نه تنها از سلطه دشمنان می‌گریزد، بلکه ارزش آزادی، استقلال و حق طلبی را جزء اصول بنیادین خود می‌داند. این ارزش‌ها، در سایه‌ی ایمان و ابتلاء به گونه‌ای نهادینه می‌شوند که حتی در شرایط رفاه نیز ترک نمی‌گردند. مکارم شیرازی تصریح می‌کند که «جامعه مقاوم، حتی در آرامش، ساختار آماده‌باش خویش را حفظ می‌کند»^۲

به همین جهت، قرآن کریم پیوسته وعده‌ی نصرت را به کسانی داده است که در مسیر ایمان مقاومت می‌کنند: «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الصَّابِرِينَ»^۳ این همراهی الهی، بزرگ‌ترین سرمایه فرهنگی جامعه است که آن را در برابر تندبادهای تاریخ محفوظ می‌دارد. جامعه‌ای که فرهنگ مقاومت را در دل خود دارد، در حقیقت به قله عزت رسیده است؛ عزتی که «نه با ثروت و قدرت ظاهری، که با ایمان و استقامت حاصل می‌شود.»^۴

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت که سنت الهی ابتلاء نقشی بنیادین در رشد فردی و اجتماعی انسان دارد. ابتلاء، نه صرفاً یک آزمون فردی، بلکه فرآیندی تربیتی است که موجب تکوین شخصیت، ارتقای ایمان و شکل‌گیری فضائل اخلاقی می‌گردد. هنگامی که انسان در برابر بلاها با صبر و ایمان می‌ایستد، توان درونی او افزایش یافته و به مرحله‌ای از پختگی روحی می‌رسد که زمینه‌ساز قرب الهی و آرامش پایدار است.

^۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۶.

^۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۹۵.

^۳. بقره، آیه ۱۵۳.

^۴. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۶، ص ۲۵۴.

از منظر اجتماعی، ابتلاء سبب تحکیم روابط خانوادگی، تقویت همدلی و ارتقای حس مسئولیت‌پذیری میان اعضای جامعه می‌شود. خانواده‌ها و جوامعی که با ایمان و صبر از بوته‌ی ابتلاء عبور می‌کنند، نه تنها از هم نمی‌پاشند بلکه استوارتر و متحدتر می‌گردند. چنین خانواده‌ها الگوهای عملی از صبر، ایمان و انسجام‌اند و از طریق انتقال تجربه مقاومت و توکل، نسل آینده را با ارزش‌های اخلاقی و معنوی بار می‌آورند. بدین ترتیب، ابتلاء عاملی برای پایداری فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

افزون بر این، ابتلاء به ترویج فرهنگ مقاومت و پایداری در جامعه می‌انجامد. دشواری‌ها روح ایثار، تعاون و شجاعت را در میان مردم زنده کرده و جامعه را از حالت انفعال به کنش‌گری مؤمنانه سوق می‌دهد. این فرهنگ، بر پایه ایمان و عدالت، هویت جمعی مقاومی می‌آفریند که توان رویارویی با بحران‌ها و تهدیدها را دارد. تجربه امت‌های مؤمن در قرآن و نمونه‌های معاصر، نشان می‌دهد که جوامعی که در برابر ابتلاء صبر و استقامت پیشه کرده‌اند، از نظر معنوی و تمدنی شکوفاتر گشته‌اند.

در نهایت، ابتلاء در نگاه قرآنی نه عامل ضعف، بلکه منشأ اقتدار معنوی، انسجام اجتماعی و عزت ملی است. جامعه‌ای که فرهنگ صبر و مقاومت را از دل ابتلاء می‌آموزد، در برابر تندبادهای تاریخی پایدار می‌ماند و در مسیر رشد و تعالی مادی و معنوی گام برمی‌دارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

1. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الشفا(الهیات)، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
2. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، بی تا.
3. بحرانی، هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۶.
4. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، 1384.
5. زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰.
6. فلسفه عبودیت و عبادات، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۲.
7. رضایی، احد، تحلیل تطبیقی روایات و آیات درباره ابتلاء، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۱.
8. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، تهران، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
9. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
10. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، قم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳.
11. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1372.
12. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۲.
13. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1405.
14. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۲.
15. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، تهران، صدرا، ۱۳۸۷.
16. آینده انقلاب اسلامی ایران، تهران، صدرا، ۱۳۸۶.
17. تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۷.
18. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۸.
19. تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴.
20. موسوی خامنه‌ای، علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، دفتر نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

21. موسوی خمینی، روح‌الله، شرح دعای سحر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.

22. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.